**طرح دو سوال ربا در موزونات و معدودات**

: مهدى فتحى نيا

[ من صفحة 221 الی 226]

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
|

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
|

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
|  |  |  |

 |
| **ربا در موزونات و معدودات** مهدى فتحى نيا **چكيده**مقاله در صدد پاسخ گويى به دو پرسش در مورد حكم تحريم رباست. نويسنده نخست به اين نكته مى‏پردازد كه حكم تحريم ربا تعبدى نيست و حكمى است داراى مصالح و مفاسد قابل درك براى عقلا. وى در پاسخ به اين پرسش كه مقصود از مثليت در رباى موزونات چيست، نويسنده با توجه به عليت يا حكمت تحريم ربا، پاسخ مى‏دهد كه اگر بيع ناشى از اضطرار مشترى باشد، در صورت تفاضل، ربا ثابت است ؛ هر چند دو كالا همجنس نباشند. پرسش دوم نويسنده اين است كه آيا در معدودات، ربا مطلقاً ثابت نيست؟ آن گاه با توجه به حكمت تحريم ربا چنين پاسخ مى‏دهد كه اگر كالاى مورد معامله، نقش بسيار تعيين كننده در زندگى مردم داشته باشد، ربا در مورد آن ثابت است ؛ هر چند معدود باشد.كليد واژگان: ربا، موزون، مكيل، معدود، احتكار، علت حكم، حكمت حكم، بيع ربوى. |

[221]  |

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
|

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
|

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| سال 14 ≈ شماره 54  |  |  |

 |
| حرمت ربا از ضروريات دين مبين اسلام است، ولى فقها در مصاديق آن اختلاف نظر دارند. ربا، يا در قرض است يا در معاوضه. آنچه در اينجا مورد نظر ماست، رباى معاوضى است كه مباحث فراوانى دارد و ما تنها به دو بحث از مباحث آن را در قالب سؤال طرح مى‏كنيم:1. مقصود از مثليت ثمن و مثمن در اجناسى كه به صورت كيلى و وزنى به فروش مى‏رسند چيست ؟2. آيا در معدودات مطلقاً ربا ثابت نيست؟قبل از شروع بحث، لازم است جواب اين پرسش داده شود كه آيا حرمت ربا در تمام مصاديق آن بر اساس مصالح قابل فهم براى بشر وضع شده است يا در بعضى از مصاديق، تعبدى محض است؟احكام شارع در باب معاملات و عقود ناظر به سيره عقلاست. مهم ترين و ساده ترين راه براى اثبات اين مطلب ، استقرا در احكام اقتصادى اسلام است. در احاديث مربوط به علت حرمت ربا، مصالح و مفاسدى بيان شده است كه براى عقل بشرى قابل درك است. امام معصوم(ع) در بررسى علت حرمت ربا، مانند اهل بازار و به عنوان عضوى از جامعه آن را تبيين مى‏كند. براى نمونه، به اين روايت توجه كنيد :كتب على بن موسى الرضا(ع) الى محمد بن سنان فيما كتب من جواب مسائله : و علة «تحريم الربا» لما نهى اللّه‏ عزّوجلّ عنه و لما فيه من فساد الاموال لان الانسان اذا اشترى الدرهم بالدّرهمين، كان ثمن الدرهم درهماً و ثمن الآخر باطلاً فبيع الربا و شراؤه وكس على كل حال على المشترى وعلى البايع فحرّم اللّه‏ عزّ و جلّ على العباد الربا لعلة فساد الاموال كما حظر على السفيه ان يدفع إليه ماله لما يتخوف عليه من افساده حتى يؤنس منه رشده ...؛ **[(1)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=201" \l "222f1" \o " جامع احاديث الشيعة ، ج 18 باب 1 از ابواب الربا، ص131، ح35.)**امام رضا(ع) در نامه اى در جواب به سؤالات محمد بن سنان فرمود: علت**[(1)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=201" \l "2221) جامع احاديث الشيعة ، ج 18 باب 1 از ابواب الربا، ص131، ح35.**  |

[222]  |

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
|

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
|

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| طرح دو سوال ربا در موزونات و معدودات  |  |  |

 |
| حرمت ربا نهى خداوند از آن و نيز به اين سبب است كه ربا باعث فساد اموال مى‏شود ؛ زيرا وقتى كه انسان يك درهم را به دو درهم مى‏خرد، در واقع ثمن درهم، يك درهم بوده است و درهم دومى اكل به باطل است. پس خريد و فروش ربوى ضايع كردن مال است، هم براى مشترى و هم براى بايع. بدين جهت، خداوند ربا را به سبب فساد اموال حرام كرد؛ همان طور كه دادن مال سفيه را به خود او تا زمانى كه رشد او احراز شود، منع كرده؛ زيرا اين خوف است كه سفيه آن مال را از بين ببرد.امام خمينى در كتاب بيع، ضمن رد ادله مربوط به حيل فرار از ربا مى‏فرمايند : «... تشبث به تعبد در مثل اين مسئله كه مفاسد تجويز و مصالح منع آن را عقل درك مى‏كند، نادرست است».حال به پاسخ سؤال نخست مى‏پردازيم كه درباره مقصود از مثليت ثمن و مثمن است. غالب فقها گفته‏اند كه مقصود از دو كالاى مثلى در باب ربا ، دو كالايى است كه در جنس با هم اشتراك داشته باشند و يك نام بر آنها اطلاق شود؛ مثل گندم به گندم و ... . **[(2)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=201" \l "223f2" \o "مقصود از \" جنس \" در اينجا جنس منطقى نيست، بلكه جنس عرفى مقصود است .)**در اينكه به دو كالاى همجنس مثل گفته مى‏شود، اختلافى نيست، اما سخن اين است كه آيا در بحث ربا ، مصداق مثل، تنها اشتراك در جنس است يا نكته گسترده‏ترى در كار است ؟ در ميان روايات، ظاهراً يك مورد استثنايى وجود دارد و آن بيع گندم به جو به صورت كالا به كالا ست كه همجنس شمرده شده‏اند و به همين جهت، امر شده كه در بيع گندم به جو، ثمن و مثمن متساوى باشد. فقها اين مورد را به صورت يك استثنا از قاعده مثليت در باب ربا تلقى كرده‏اند؛ در حالى كه در اين روايات ضمن بيان اين مورد، قاعده‏اى كلى بيان شده است كه به آن اشاره خواهيم كرد.در روايات به امورى مانند فساد اموال ، ترك التجارات، اصطناع المعروف و ... به عنوان علت يا حكمت حرمت ربا اشاره شده است. در تمام اين حكمت‏ه**[(2)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=201" \l "2232)مقصود از " جنس " در اينجا جنس منطقى نيست، بلكه جنس عرفى مقصود است .**  |

[223]  |

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
|

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
|

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| سال 14 ≈ شماره 54  |  |  |

 |
| اين نكته مشترك و بسيار با اهميت به چشم مى‏خورد كه تنها در موردى اين حكمت‏ها مصداق پيدا مى‏كند كه كالايى در اقتصاد جامعه آن قدر اهميت داشته باشد كه دارنده آن كالا، بتواند بر اقتصاد جامعه فشار وارد كند و مردم مجبور باشند چند برابر ارزش كالا را به عنوان بها بپردازند.در زمان صدور احاديث، كالاهاى مهم چيزى غير از گندم و جو و خرما و طلا و نقره نبوده و بقيه كالاها حكم كالاى غير مهم و جزئى را در زندگى مردم آن زمان داشت و از اين رو، موضوع سؤالاتى كه از ائمه اطهار در مورد ربا مى‏شد، همين كالاهاى مهم بود. البته در آن زمان كالاهاى ديگرى در بازار رد و بدل مى شد، اما نبض بازار در دست دارندگان كالاهاى مهم بود. در حديث نبوى آمده است :و المنصوص عن النبى(ص) تحريم التفاضل في ستة اشياء الذهب و الفضة و الحنطة و الشعير و التمر و الملح و قيل: الزبيب، قال(ع): الاّ مثلا بمثل يداً بيد من زاد و استزاد فقد أربى . **[(3)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=201" \l "224f3" \o " جامع احاديث الشيعه، ج18، باب 2 از ابواب الربا، ص139، ح 4.)**در اين حديث شريف از شش كالا نام برده شده است و اگر ما باشيم و اين حديث شريف، مفهوم مخالف آن دلالت بر حصر دارد؛ در حالى كه اگر آن را در كنار احاديث امام صادق(ع) قرار دهيم، مى‏بينيم كه ايشان از سركه و كالاهاى ديگرى نيز سخن به ميان آورده‏اند. اين نشان مى‏دهد كه اشياى مهم در طول زمان متغيرند، از باب نمونه، با اينكه معروف است كه در معدودات ربا نيست، اما مى‏بينيم در طلا و نقره كه در آن زمان غالباً به صورت مسكوك و درهم و دينار رد و بدل مى‏شد، تفاضل را حرام مى‏دانند؛ زيرا جزء كالاهاى تأثير گذار بودند.نكته مهم ديگرى كه توجه به آن لازم است، اين است كه بايد قوانين نظام اقتصادى اسلام را در كنار هم مورد مطالعه قرار داد، به اين معنا كه احكام اين نظام اقتصادى، مكمل هم هستند؛ مثلاً حرمت ربا در كنار حرمت احتكار و كم فروشى و تشويق قرض الحسنه و... معنى پيدا مى‏كند و هر يك از آنها جداگانه تأثير لازم ر**[(3)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=201" \l "2243) جامع احاديث الشيعه، ج18، باب 2 از ابواب الربا، ص139، ح 4.**  |

[224]  |

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
|

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
|

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| طرح دو سوال ربا در موزونات و معدودات  |  |  |

 |
| ندارد. در حقيقت هر كدام از اين احكام، جزئى از اين نظريه كلى است كه اسلام مى‏خواهد اقتصاد در دست عده‏اى خاص نچرخد تا هر طور كه بخواهند، آن را حركت دهند و به مردم فشار آورند. به عنوان مثال، اسلام احتكار را حرام مى‏داند، حال اگر كسى به عنوان مثال گندم را احتكار كند و بعد از گران شدن ، هر كيل آن را در مقابل دو كيل خرما - كه ممكن است در شرايط عادى ارزش خرما از گندم هم بيشتر باشد و يا حداقل مساوى باشد ـ بفروشد، آيا مى‏توان پذيرفت كه اسلام تنها بگويد احتكار حرام است، ولى نسبت به آن بيع كه نتيجه احتكار است، سكوت كند و آن را جايز بداند؟**نتيجه** اگر در بيع كالا به كالا، بيع ناشى از اضطرارِ نوعىِ مشترى باشد، در صورت تفاضل، ربا ثابت است؛ گر چه دو كالا همجنس نباشند، و شايد بتوان گفت در صورت عدم اضطرارِ نوعىِ مشترى، ربا ثابت نيست؛ گر چه كالاها همجنس باشند.**حرمت ربا در معدودات** آيا همان طور كه ميان فقها مشهور است، معدودات شامل حرمت بيع ربوى نمى‏شوند؟درهم، معدود است، اما با اين وجود خريد و فروش آن به تفاضل حرام است . محمد بن الحسن باسناده عن محمد بن احمد بن يحيى عن محمد بن سليمان عن على بن ايوب عن عمر بن يزيد عن أبي عبداللّه‏ في حديث انّه قال: يا عمر قد احل الله البيع و حرم الربا، بع و اربح و لا تربه. قلت و ما الربا؟ قال: دراهم بدراهم مثلين بمثل و حنطة بحنطة مثلين بمثل. **[(4)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=201" \l "225f4" \o "وسائل الشيعه ، ج18، باب 6 از ابواب الربا ، ص133، ح1. صاحب وسائل الشيعه و مستدرك وسائل الشيعه در عنوان باب 6 از ابواب الربا اين چنين آورده اند : باب ان الربا لا يثبت الاّ في المكيل و الموزون غالباً و ان الاعتبار فيهما بالعرف العام دون الخاص.)****[(4)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=201" \l "2254)وسائل الشيعه ، ج18، باب 6 از ابواب الربا ، ص133، ح1. صاحب وسائل الشيعه و مستدرك وسائل الشيعه در عنوان باب 6 از ابواب الربا اين چنين آورده اند : باب ان الربا لا يثبت الاّ في المكيل و الموزون غالباً و ان الاعتبار فيهما بالعرف العام دون الخاص.**  |

[225]  |

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
|

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
|

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| سال 14 ≈ شماره 54  |  |  |

 |
| نان نيز كالاى معدود است و از احاديث هم پيداست كه در آن زمان هم به صورت معدود خريد و فروش مى‏شده است، اما از آنجا كه اهميت دارد، تفاضل در معاوضه آن حرام شده است.سئل العالم عن حد الربا و العينة، فقال: ... حتى طعام اللين من الخبز باليابس و الخبز النقى بالخشكار بالفضل، و ما لا يجوز فهو الربا الا ان يكون بالسوى و مثله و اشباهه فكلها ربا. **[(5)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=201" \l "226f5" \o " جامع احاديث الشيعه، ج18، ابواب الربا ، باب 7 ، ح 8. حجيت اين حديث مبتنى بر حجيت كتاب فقه الرضاست.)**با توجه به اين دو نمونه، نمى‏توان گفت: عدم حرمت تفاضل در معدودات، امر تعبدى صرف است، بلكه حرمت تفاضل بسته به تحقق علت حرمت يا عدم تحقق آن است.از طرفى در احاديث زيادى، تفاضل در معدودات مكروه شمرده شده است؛ در حالى كه همين تعبير در مورد موزونات هم به كار رفته است. نمى‏خواهيم بگوييم اين تعبير دلالت بر حرمت دارد، ولى حداقل مى‏توان گفت كه اين حكم در شرايط مختلف، فرق مى كرد، و بدين رو، گاهى مى‏فرمايند «لا بأس به» و گاهى مى‏فرمايند: «مكروه است».در حديثى مى‏بينيم كه امام صادق(ع) مى‏فرمايند: امام على(ع) معامله يك پيراهن به دو پيراهن را مكروه مى‏دانست، **[(6)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=201" \l "226f6" \o " جامع احاديث الشيعه، ج18، ابواب الربا ، باب 7 ، ح 8. حجيت اين حديث مبتنى بر حجيت كتاب فقه الرضاست.)** اما در حديث ديگر آمده است كه امام حسين(ع) در مقابل يك حله عراقى حاضر است پنج حله بدهد؛ در حالى كه اگر اين معامله واقعاً مكروه بود، امام(ع) هرگز مرتكب كار مكروه نمى‏شد.نتيجه اينكه مى‏توان گفت اگر كالايى نقش بسيار تعيين كننده‏اى در زندگى مردم داشته باشد، گر چه معدود هم باشد، ربا در مورد آن ثابت است.**[(5)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=201" \l "2265) جامع احاديث الشيعه، ج18، ابواب الربا ، باب 7 ، ح 8. حجيت اين حديث مبتنى بر حجيت كتاب فقه الرضاست.** **[(6)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=201" \l "2266)همان ، ابواب الربا ، باب 4 ، ح 5 .**  |

[226]  |